

تا ریشه در آب است...

رضا مقصودی - وکیل دادگستری

به فرازی از سخنان دکتر احمد هومن ریاست وقت کانون وکلاء در سال 1348، که بمناسبت هجدهمین سالگر تاسیس کانون ایراد گردید، عنایت بفرمائید:

«... سال گذشته برای وکلای ایران سالی سخت، خسته کننده و دردناک بود. از یک سو، فروش "پوشه" که تنها راه عائدی و منحصر وسیله پرداخت هزینه های مستمر کانون بود، قطع گردید و از سوی دیگر با ازدیاد جرائم و ایجاد مراجع جدید رسیدگی نیازمندی بکار وکالت تسخیری فزونی یافت و بالنتیجه مسئولیت وکلائی که در مراجع کیفری، دفاع متهمین را بعهده دارند طاقت فرسا گردید. در تهران و شهرستانها وکلائی بودند که در سال، دفاع بیش از "یکصد پرونده" به آنها رجوع شده بود و وقتی را که باید صرف خود و خانواده خود کنند مصروف چنین کار سنگین بی پاداشی نموده بودند و چقدر برای حضار محترم ناراحت کننده و دردناک خواهد بود اگر بگویم سال گذشته چند نفر از همین مردمان شرافتمند و با ایمان با نهایت تنگدستی جان به جان آفرین تسلیم کردند و تا آنجا که کانون هزینه دفن و کفن بعضی را پرداخت و در خانه یکی از آنها که دو روز بود از جهان رخت بسته بود نایب رئیس کانون بوسیله نردبام وارد شد و شاهد مرگ جانگداز و اندوهناک یکی از همکاران خود گردید.....» { بنقل از مجله حقوق مردم، سال پنجم، شماره هجدهم، دی و بهمن و اسفند 1348 }

شاید بتوان به شهادت سخنان فوق از چند منظر راز برخی مشکلات حاضر جامعه وکالت را کشف و گره از کار فرومانده خود بگشائیم:

\*اول : نهال نوپای کانون وکلاء و حرفه منیع وکالت با تلاش و مجاهدت بی نظیر اسلاف خود نضج گرفت، به بار نشست و ثمر داد. این بنای بلند به قیمت از دست دادن های بسیار آباد گردید. جایی که ریاست وقت کانون تنها ممر درآمد پرداخت هزینه های چنین تشکیلات بزرگ و مهم با وظائف گسترده و خطیری را تنها فروش پوشه شمرده که آن هم قطع گردید! ، چگونه با دستانی خالی و بدون پشتوانه و امید حمایت، چنین بنای فاخری را بر تارک افتخارات جامعه نصب کردند و مفاخر و بزرگانی از جنس محمود سرشار، ابوالقاسم تفضلی، ارسلان خلعتبری، هاشم وکیل، محمد شاهکار، متین دفتری، جلالی نائینی، شریعت زاده، احمد هومن و.... را به جامعه وکالت معرفی نمودند که هر کدام منشا

و مصدر خدمات و برکات انکارناپذیری گردیدند!

\*دوم: هر چند ضرورت توجه به معیشت وکلاء در عصر حاضر از اولویت نخست یا نخستین اولویت مدیریت کانون هاست، اما و هزار اما....  
اگر به منشا و سرچشمه پیدایش این جوهر ارزنده برگردیم، درخواهیم یافت که اسلاف و بزرگان این حرفه، آنرا نه به لحاظ کسب مال و تکاثر و تزیید ثروت و منال مادی یا جاه و جایگاه و وجاهت و موقعیت اجتماعی، بلکه به خاطر خصیصه ذاتی اش در دفاع از حق، نقش حیاتی و تعیین کننده اش در اصلاح و تدبیر امور جامعه، کارکرد اجتماعی آن در یاور مظلوم و خصم ظالم بودن و بالأخره مواهبی که اشتغال به این حرفه منیع در بالندگی روح و قوت و قدرت تفکر و تشخیص امور و رشد و شکوفائی صفاتی چون عزت نفس و مناعت طبع، استقلال عمل، شهامت و جسارت ایستادگی در برابر باطل، کشف استعدادهای درونی، وقوف بر دردها، رازها و نیازهای طبقات اجتماع و تلاش جهت درمان آن، دارد؛ برگزیده اند.

شاید امروزه باور این نکته در سخنان دکتر هومن که "وکلائی بوده اند که در سال در یکصد پرونده تسخیری قبول سمت می کردند،" امری غریب و بغایت دشوار یا محال بنماید، اما باید توجه داشت که آنان کسانی بودند که بحق برای آزادی و احقاق حقوق مردم اسارت خود و برای آسایش و رفاه ایشان بی قراری و فقر خود و حتی برای حیات آنان مرگ خویش را انتخاب می کردند. لذا در عین وارستگی اخلاق و ایستادن بر قله علم و معرفت و سجایای اخلاقی و انسانی، این عنصر حیاتی و گرانبمایه را همواره قدر دانسته، از آن هیچگاه وسیله جلب منفعت شخصی یا تحصیل موقعیت اجتماعی نساخته، بعکس از موقعیت و شان اجتماعی خویش برای اعتلاء و پیشبرد اهداف عالی وکالت استفاده می کردند!

\*سوم: اعلان این سخن که در آن سالهای سخت، کانون متکفل پرداخت هزینه کفن و دفن برخی از وکلا که اتفاقا در شان و رتبه علمی و اخلاقی بالائی بودند، می گردید، شاید اندکی تلنگر به برخی از ما وارد آرد که با هزاران برابر امکانات و امید بیشتر برای پیشرفت و پیشبرد اهداف کانون، برای رضای خدا یا بحکم انسانی قدمی از جای خود به جلو برنداشته و باندک ناملایمتی امید و توان از کف داده، و یا تسلیم را تمکین کرده، همواره اسباب کمبودها و تقصیرها و کاستی را گردن دیگران انداخته تا از زیر فشار سنگینی که اتصاف به صفت وکالت بر ما تحمیل کرده، شانه به بی تفاوتی خالی کنیم!

رضا مقصودی-وکیل دادگستری